

GANJINEH ASNAD

Publication of Iran National Archives Organization
Historical research quarterly magazine.

Concessionaire : Iran National Archives Organization.

Managing Director : Seyed Hassan Shahrestani.

Editor : Kianoush Kiani Haft Lang.

Tenth year, Vol. 3,4, Fall and winter 2001 No. 39 & 40

Address : Bahjatabad 66 Behafarin Ave. 15936 P.O.Box 15875-4499 - Tehran-Iran.

- **Managing Director's Note**
by : S.H. Shahrestani
- **Reasons for Armenians' Trade Improvement in Safavid Era**
by : Sh. S. A'rabi Hashemi
- **A Glance at the Consequences of the Wars between Iran and Russia**
by : F. Qaziha
- **" Six Ministers' " Duties and the Court Consultative Assembly
in Naseri Era**
by : A. Karimian
 - **Mirza Zein-al-Abedin Mo'tamen-ol-Atebba,
the Head Physician of Naseri Court**
by : M. Roustaii
 - **Constituents Assembly Elections (2nd part)**
by : M. Delfani
- **Calligraphy in Royal Charters and Historical Decrees**
by : A. R. Kuchaki
- **Lithographic Records, Intermediate between Manuscripts
and Printing**
by : Dr. Khan Mohammadi
- **A Pause on " Dustbins " - the Records Found amongst a Pile of
Thrown-away Writings**
by : M. Rouh-ol-Amiri
- **Azerbaijan National Archives / by : Dr. A. Pashayev**
 - **Records Appraisal (first part)**
- **Collection of Historical Photographs / by : Dr. K. Kiani**
 - **New Publication**
 - **Donor of Records**
- **English Abstracts / translated by : A. S. Hossaini**

درنگی بر «زباله دانی»ها سند های بازیافته، در نوشته های دور ریخته

دکتر محمود روح الامینی

به دشواری می توانستم باور کنم. هنگامی که شنیدم: «دستنوشته ها، سندها، بسیاری از منابع تحقیقی (مجله، روزنامه، اعلامیه، گزارش) و نامه های خصوصی نیکلا (A.L.M. NICOLAS) نویسنده، مترجم، سیاستمدار و مستشرق معروفی که نزدیک به یک قرن پیش در ایران بوده (۱)، در زباله های کناریکی از خیابانهای پاریس - شهری که کتابخانه هایش (بویژه کتابخانه ملی، کتابخانه مدرسه زبانهای شرق و کتابخانه موزه گیمه) گنجینه نگهداری بسیاری از سندها و کتابهای منحصر بفرد مشرق زمین می باشد - ریخته شده است.»

ولی واقعیت داشت. آقای مونتئی (y. Monteil) که مقداری از این سندها را، از میان زباله برداشته، تعریف می کرد که در چند سال پیش، غروب یکی از روزهای فصل بهار، در کنار خیابان راسپای (Raspail) نزدیک خیابان مونپارناس (Montparnasse) عده ای را دیدم که پیرامون زباله ها - که لاتین نیست و شباهتی به خط فرانسه ندارد، زیور و می کنند، و یا برمی دارند (۲). آقای مونتئی نیز مقداری از دستنوشته ها و جزوه ها را برداشته و به خانه می آورد و از نام نیکلا، تبریز و ایران، در آن نوشته ها متوجه می شود، که سندها، و نامه های خصوصی متعلق به محقق است که در قونسولگری سفارت فرانسه در تبریز کار می کرد. آقای مونتئی این ماجرا را برای خانمی از همکارانش که همسر یکی از ایرانیان مقیم فرانسه است، بیان می کند. در ژانویه امسال (۱۹۹۹)، در پاریس، بر حسب اتفاق در جریان این سندهای دور ریخته شده (یا سندهای یافت شده) قرار گرفته و علاقه مند به دیدن آنها شدم.

آقای مونتئی با مهربانی مرا به خانه اش پذیرفت. دیدن سندها، نامه ها، روزنامه ها - در کنار پذیرائی ها - در طبقه ششم خانه کهنسالی، در یکی از محله های قدیمی پاریس، با پله های چوبی سائیده شده، که قدمتش کمتر از سندها نبود، خستگی و دلهره «مزاحم شدن» را از تنم زدود.

این سندها که به گفته آقای مونتئی، تقریباً یک دهم «گنجینه» سندهای دور ریخته شده است، شامل برخی نامه های خصوصی و اداری، دستنوشته، مقاله ها، شماره هایی پراکنده از روزنامه های تهران و تبریز (سالهای ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۲)، چون اتحاد، بوقلمون، ملانصرالدین، مساوات، استقلال، مجاهد، کشکول و (...)، و بالاخره فرمان مظفرالدین شاه قاجار به «اعطای یک قطعه نشان شیرو خورشید از درجه دوم ستاره دار» و ... می باشد.

آقای مونتئی که با صمیمیت، این اسناد را در دسترس این جانب قرار داده، علاقه مند است، مطمئن شود که آنها دستخوش سرنوشت «زباله» نمانده، و در آرشیوی معتبر نگهداری و مورد استفاده قرار گیرند.

در توضیح فتوکپی سندهای پیوست، ملاحظه می گردد:

۱- در نامه مورخ اول محرم ۱۳۲۷ هجری قمری (۲۵ ژانویه ۱۹۰۹) انجمن ایالتی آذربایجان یادآور می شود که «به موجب اصل ۲۴ و ۲۵ قانون اساسی بستن معاهدات و مقالات و دادن امتیازات و استقراض

دولت علیه ایران به هر عنوان که باشد، باید به تصویب مجلس شورای ملی انجام پیدانماید (...). و فعلاً که مجلس شورا در عهده انفصال است، اولیای دولت حق مداخله به مواد مذکوره را ندارند که نسخه ای از اعلامیه دولت نیز ضمیمه نامه انجمن ایالتی است. ۲- نامه دیگر که یکماه بعد نوشته شده (۸ صفر ۱۳۲۷)، انجمن ایالتی آذربایجان، بر اساس پیام قونسولگری فرانسه در تبریز از تقاضای «یک خروار گندم برای گماشتگان جنرال قونسولگری» استقبال می کند، که طبعاً این مساعدت در رفع نیازمندی ارتباطی به «اعلامیه دولت» ندارد.

۳- از آنجا که فعالیت های فرهنگی و کار ترجمه آقای نیکلا، مورد توجه مظفرالدین شاه قاجار قرار گرفته بود، به دریافت نشان درجه سوم همایونی قرار گرفت.

پی آمد سخن:

بی گمان نه نخستین بار و نه آخرین بار خواهد بود، که در «خانه تکانی»، تعمیر یا تخریب خانه، جابجا شدن، مقداری از وسائل و ابزارها - به هر علتی که باشد - مورد نیاز صاحب خانه نیست، و آنها را دور می ریزند و این «دور ریختنی»ها با رواج بیشتر اجاره نشینی، آپارتمان نشینی و کوچک شدن فضای مسکونی، بر مقدارش افزوده می شود. چه بسیار سندها، کتاب، ابزارهای ارزنده سنتی و خانوادگی - که معیار و معرف گوپای تاریخی و فرهنگی می تواند باشد - در این دور ریختن ها از میان رفته و به دست فراموشی سپرده می شود، که به ناگزیر بسیار اتفاق افتاده است.

گاه بر حسب اتفاق، ممکن است سند و اثری ارزنده، از نابودی نجات یابد (همانگونه که می توانست، «بر حسب اتفاق» نابود شود). - اگر «بر حسب اتفاق»، ابن اسفندیار (بهاء الدین محمد بن حسن بن اسفندیار) دانشمند طبرستانی ساکن بغداد، در سال ۶۰۶ هجری

قمری، از بغداد به ایران، و برای دیدار پدر به آمل نرفته بود، از کتاب «نامه تنسر» تنها نامی مانده بود. وی گوید: «بعد پنج سال که مقام کردم، روزی به رسته صحافان مرا گذر افتاد، از دکانی کتابی برداشتم در و اند رساله بود (... و رساله دیگر که ابن مقفع از لغت پهلوی معرب گردانیده، جواب نوشته جشنسف شاه شاهزاده طبرستان از تنسر دانای فارس هر بزد هرابزه اردشیرپایک، بانکه نه روزگار مساعد و نه دل و ساعد هیچ کار بود... در فراهم آوردن تاریخ طبرستان چون تقدیم اقدم لازم بود این رساله را که چون فلک مشحون است از فنون حکم، ترجمه کرده افتتاح بدو رفت (۳)».

- اگر آب در زیرزمین خانه نوه ارنست هولستر (ERNST HOLTZER) در آلمان نمی افتاد، بی گمان یادداشت ها و فیلم های این مهندس آلمانی که در سال ۱۸۶۳ از ایران تهیه شده و سندهای ارزشمندی از زندگی مردم اصفهان است به فراموشی سپرده شده و کتاب «ایران در یکصد و سیزده سال پیش» در ۱۳۵۵ منتشر نمی شد (۴).

- و بالاخره دانشجوی مستاجری، در تهران جعبه دورافتاده ای را که شیشه های نگاتیو فیلم، مربوط به دوره قاجاریه در آن بود نجات داد. جعبه ای که پسر صاحبخانه، در «خانه تکانی» بعد از مرگ پدر، نمی دانست چیست و چه ارزشی دارد.

این شیشه های نگاتیو، شامل صحنه های جالب و ارزنده، که معرف بسیاری از ویژگی های تبریز در زمان ولایت عهدی محمدحسن میرزای قاجار است، عکس های آن، به کوشش آقای بهمن جلالی، با عنوان «مجموعه عکس های یک عکاس ناشناس در اواخر دوره قاجاریه»، در خرداد و تیر ۱۳۷۶، در عکسخانه شهر به نمایش گذاشته شد (۵).

و نیز، دستیابی به نسخه های خطی کتابهای «تاریخ سیستان (۶)» به «حدود العالم (۷)» و «وقفنامه ربع رشیدی (۸)» هر چند از «زباله» های دور ریخته شده نبود، ولی نجات آنها خالی از رویدادهای اتفاقی میسر نگردید، که شرح هر یک را در مقدمه مصحح کتاب می یابید.

در نمونه های یاد شده - که مشتق از خروار است - از نجات اتفاقی سندهایی سخن به میان آمد، که می رفت به نابودی کشیده شود و میدانیم که هنوز در بسیاری از خانه ها، قفسه ها، بیغوله ها یا ویرانه ها، می توان - ندها و نوشتارهای ارزشمندی را - پیش از آنکه به «زباله دان» نابودی به پیوندد - یافت و منتشر کرد و البته کسانی نیز بدین امید، در جستجو و تلاشند.

به یاد دارم، زنده یاد دکتر احمد افشار شیرازی - که کتابخانه غنی او کتابهای ارزشمند داشت، و امید است محفوظ مانده باشد - زمانی که دبیر ادبیات فارسی دارالفنون بود (سال ۱۳۲۹) روزی ضمن بحث درباره تاریخ بیهقی، و توصیه در جستجو و نگهداری آثار خطی، میگفت: «آرزو دارم در جستجوی ۵ مجلد اول تاریخ بیهقی، دستم قطع شود و کتاب کامل شود و بتوانم آنرا بخوانم (۹)».

نجات یافتن اسناد

با استقبال و علاقه مندی صمیمانه جناب آقای دکتر سیدحسن شهرستانی، رئیس سازمان اسناد ملی ایران، و اطمینان یافتن آقای مونتی (Monteil) از اینکه: «این اسناد دستخوش سرنوشت «زباله» ها نشده و در مرکز مناسب مطالعاتی نگهداری و مورد استفاده قرار خواهد گرفت»، سرانجام در سفری به فرانسه، (در شهریورماه ۱۳۷۸ زمان برگزاری چهارمین کنفرانس اروپائی درباره ایران)، که نیز، حامل پیام و نامه ای از سوی سازمان اسناد ملی ایران برای آقای مونتی بودم، اسناد یاد شده، در اختیار نگارنده قرار گرفت، و امروز ثبت و ضبط سازمان اسناد ملی ایران است و امیدواریم که همه اسناد، نامه ها و مجموعه خصوصی نیکلاها (لونی ژان باتیست نیکلا، و الفونس نیکلا) درباره ایران - که دور ریخته شده بود - گردآوری شده، و آرشیو کاملی از آن در سازمان اسناد ملی ایران فراهم آید.

پی نوشتها:

۱- الفونس نیکلا (۱۸۶۲-۱۹۳۹) فرزند لونی ژان باتیست نیکلا، در رشت متولد گردید (زمانی که پدرش کنسول فرانسه در رشت بود). الفونس نیکلا از سال ۱۸۸۷ بعنوان مترجم سفارت فرانسه و از ۱۸۹۸ تا ۱۹۰۶ سرکنسول فرانسه در تهران و از ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۸ سرکنسول فرانسه در تبریز بود. وی و پدرش علاوه بر شغل سیاسی، با تبحری که در زبان فارسی داشتند، کتابها و مقاله های متعددی درباره ایران نوشته و ترجمه کردند.

۲- آنچه را که در برخی از کشورهای اروپائی و امریکائی، از خانه هادومی ریزند. شاید بتوان «زباله» نامید. ممکن است برای دیگری بکار آید. زیور و کردن وسائل دور ریخته شده، بوسیله رهگذران امری عادی است. کسانی نیز هستند که به عنوان شغل، روزهای یکشنبه (چون بسیاری از خانه تکانی ها و دور ریختن ها، روز شنبه - پایان هفته - صورت می گیرد) و وسائل دور ریخته شده را - با وانت و کامیونت - جمع آوری کرده، پس از تمیز کردن یا تعمیر، در بازار و میدان های ارزان فروشی، به عنوان اشیاء دست دوم، عرضه می دارند.

۳- «نامه تنسر» به زبان پهلوی، که در صدر اسلام موجود بوده و ابن مقفع آن را به زبان عربی ترجمه نمود. امروز نه اصل پهلوی این رساله در دست است و نه ترجمه عربی آن، و ترجمه فارسی آن بوسیله ابن اسفندیار، مدیون یک اتفاق است. (به کتاب نامه تنسر به گشتب، به تصحیح مجتبی مینوی - انتشارات خوارزمی، چاپ دوم ۱۳۵۴، دیباچه، نگاه کنید).

۴- ارنست هولستر که در اواخر سال ۱۸۶۳ به اصفهان آمد و قریب بیست سال زندگی خود را در این شهر گذراند. گویا در ۱۸۷۰، هنگامی که آب در زمینی خانه نوه هولستر افتاد. او صندوق موروثی را باز کرد و در آن، یادداشت ها و مجموعه فیلم های مربوط به ایران را یافت. سفارت ایران در آلمان آنها را خریداری و بخشی از آن را منتشر کرد. (به کتاب «ایران در یکصد و سیزده سال پیش - بخش نخست اصفهان. تالیف ارنست هولستر. تهیه و ترجمه محمد عاصمی، از انتشارات وزارت فرهنگ و هنر، مرکز مردم شناسی ایران، ۱۳۵۵ مراجعه شود).

۵- این عکسها در عکسخانه شهر (تهران تقاطع خیابان بهار و خیابان بهار شیراز) نگهداری می شود. تنها اثری که از عکاس دیده می شود، سایه عکاس و دوربین او در یکی از صحنه هاست که در پوستر نمایشگاه با عنوان «چهره تاریخ، سایه عکاس» به آن اشاره شده.

۶- تاریخ سیستان (نویسنده ناشناس) به تصحیح ملک الشعرا بهار، نشر موسسه خاور، چاپ دوم، ۱۳۵۲.

۷- حدود العالم من المشرق الی المغرب (نویسنده ناشناس) به کوشش دکتر منوچهر ستوده، ناشر کتابخانه طهوری، ۱۳۶۱.

۸- وقفنامه ربع رشیدی، (به خط واقف) از رشیدالدین فضل... ابی الخیر، به کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار از انتشارات انجمن آثار ملی ۱۳۵۶.

۹- تاریخ بیهقی تالیف ابوالفضل محمدبن حسین بیهقی، تصحیح دکتر علی اکبر فیاض، نشر علمی، چاپ چهارم ۱۳۷۴. از تاریخ بیهقی از مجلد (بخش) اول تا چهارم و قسمتی از مجلد پنجم در دست نیست و در مجلد دهم (پایان) نوید فضل دیگری رامی دهد.



بصفت از مقام شاه و پادشاه
 ماموظفالدین شاه قاجار
 شاه با استعلا کرامت الله علیه

مجلس در روز ششم محرم سن ۱۲۸۰ هجری قمری در محضر شاه و پادشاه
 و بعد از آنکه شاه را در باره اعطای یک قطعه نشان شهبان شهبان
 قرین شهبان بر روی دره و در صورتی که وزارت را در بهر زمان
 نشان بر روی دره شهبان و این نشان شهبان شهبان در عهد شاه

Par la grâce et l'aide de Dieu Très Haut
 Nous Nousaffer ed Dine Chah Kadjar
 Empereur Absolu de toute la Perse

Pour reconnaître de Notre bienveillance spéciale à l'égard
 de Monsieur Nicolas, Premier Secrétaire de la Légation de France
 à Téhéran, Citoyen Français,

Nous l'avons honoré en lui octroyant la décoration du Lion
 et du Soleil de deuxième classe, ornée d'étoiles,
 Nous ordonnons:

Que le Ministère des Affaires Étrangères lui reconnaisse
 ce titre et conformément au décret impérial qui l'a signé
 brevète et fasse parvenir les insignes.

Moharrem 1319

LETTRES REÇUES

Enregistré N° 27

le 1 Mars 1909 480



المجلس اذيان آذربايجان

تاریخ ۱ شهریور ۱۳۲۷

شماره ۳۳۳

شعبه

موت خب بوقاب بهر زود خیرال و ندرت خیرال و ندرت خیرال و ندرت خیرال
 از در طرف صبح خب میرزا خندان خیرال و ندرت خیرال
 معنی یاکرتف و در ندرت که تعداد کند که کم برای کفایت
 خیرال و ندرت خیرال است اینها که ندرت خیرال و ندرت خیرال
 که روی ای که همواره در ایام و ندرت خیرال و ندرت خیرال
 میگویند بهر و ندرت خیرال و ندرت خیرال و ندرت خیرال
 فردا و ندرت خیرال و ندرت خیرال و ندرت خیرال
 و الله اعلم روز زرک و ندرت خیرال و ندرت خیرال
 و ندرت خیرال و ندرت خیرال و ندرت خیرال

L'Assemblée Provinciale
 à M. Nicolas Consul de France
 à Baviis

Le maître Mirza Hira Khan, interprète
 de Le Consulat Général, est venu à l'en-
 seignement et a déclaré que les domestiques
 du Consulat ont besoin d'un Khavsar
 de blé.

Nous avons l'honneur en conséquence
 de vous écrire cette lettre pour vous
 faire savoir que les autorités sont
 toujours prêtes à accueillir vos demandes
 amicales.

Quand vous aurez besoin de blé,
 demain ou à un autre moment, envoyez
 à l'Assemblée provinciale un des domes-
 tiques du Consulat; on lui remettra un bon
 il se rendra à la citadelle et prendra l'is-
 -raison du blé

CONSULAT DE FRANCE

Tauris, le 4 Janvier 1909

TAURIS

Direction Politique
N° 2

12/
14/
25/
1409 -

Représentant de la
Colonie Russe au
Président de la
Douma.

Le Consul de France à Tauris
à Monsieur le Ministre de la
République à Pétersbourg

J'ai eu l'honneur de recevoir
ce qui on m'annonçait la prochaine
envoi d'une circulaire au corps
consulaire désignant le télégramme
envoyé par les sujets Russes au
Président de la Douma en ces termes :
Le Consul Russe ne peut nous protéger
faute de Cosaques : les biens, la vie des
sujets Russes sont menacés, les boutiques
ont déjà été pillées, nous ne devons
plus attendre espoir, demandons
du secours. Cette circulaire finira
en demandant de l'aide aux seuls sujets.

20 Апрелья 1917 г.

اون بيرلجي ايل

۱۱ رجب ۱۳۳۵

ملا فصل الدين

№ ۱، Цѣна 25к. МОЛЛА НАСРЪ ЭДДИНЪ. قیستی ساتیجی اتده ۲۵ قیك.



تازه معارف بناسی تک رسم کشادی



اون ایل کیچندن سورا

اداره روزنامه کاشکول

تهران

اداره روزنامه ندای وطن است

بنفشه یکم تیره حبیب و شریفی

بنا یغ سه شنبه ۲۲ مهر محرم الحرام ۱۳۲۸

مطابق ۲۵ فوریه ماه فرانسه سنه ۱۹۰۸

کاشکول

قیمت یک نسخه سه شاهی است

ابونه اشترک سالانه
در دارالمجله طهران... بیست شاهی
سایر ولایات ده جلد... یکون
خرگستان... پنج شاهی
قفقاز و روسیه... سه شاهی
هندوستان... چهار شاهی

این روزنامه از فید رحمت علی خان بیک است ابتدا با شخص خاص طرفت نیست عرض بر آنده حسنات ذرات زشت بر بخت و بجزی راستی آن
تدین تربیت است بر یک از دانشندان که صورت بوم عبرت انگیزه که گوی بر بخورد طرح نموده با داره فخر شده درج و ترجمه شده

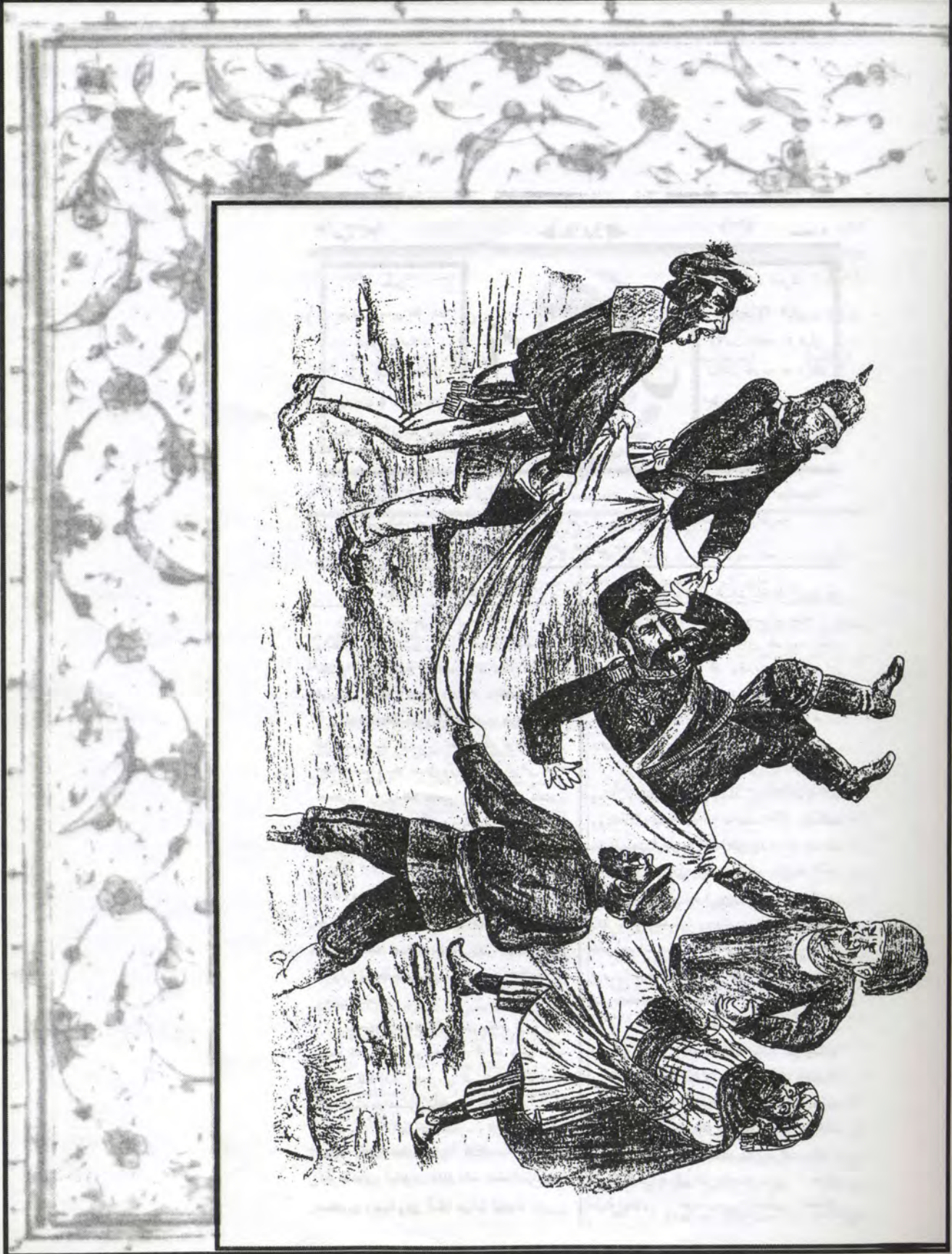
(شکر از اقدامات انجمن بلدیة)

چندت با نورین بلدیة شروع کرده اند بنده ادخانه او مقیم گشته
و نصب کاشی نمره بسرد خانها و خودشان ستینیا یک قطعه کاشی مشتمل
بر عدد و نمره آن خانه بالای سرد در با نصب ستینیا و این از این
اقدام حافظه چشم ماروشن کرده و عقلای قوم میدانند که این عمل
ناچنان از بهر بدین مکت خدمت میسازد و چه قدر با شکر و شوق
از جمله آنکه در وقت پیدا کردن هر خانه بهینکه نمره را معین کرده
چینیده بدون تردید عمل مقصود خواهد رسید و لازم نیست آنچه
نفر حاضرین سوال کند و نشانی بگیرد و دو ساعت وقت خود تلف
کند و مخصوصا اینکار در طهران از بهر جای ایران زیاد تر لازم است
چرا که در هر کج که چندین نفر بیک لقب هستند مثلا شخصی با کلاه
کار دارد سوال میکند منزل محمد الاسلام کجاست فلان محله را با
نشان میدهند بیچاره باید بان محله میرسد خانه محمد الاسلام کجاست
کلی خانه محمد الاسلام روئیند را با نشان میدهد دیگر خانها و عیال
مخبر آتای امام را از این سید دیگر خانها محمد الاسلام تو را
و شاید آن شخص خانه را در حق باب کند و از دربان یا خادما
بشنود تا مقصود خود را نی گیرد

در بیک که چه سرانجام دارم چند نفر از جماعت هستند چند نفر میگویند
و چند نفر مصدق الحاکمیت و دوو اما حالا میگویند که چه توام

یا که چه شکر از اقدامات انجمن بلدیة
ستینیا دار آن خانه میرود و ابتدا اشتباه میکنند و باکت بنده را مقیم
نیده بند و مخصوصا برای فرمایشی روزنامه فرستادند و نگذاشتند
خیلی کار آسان شده اند اما از اداره بلدیة شکر میکنیم چه اول کسی که
لزوم این سلسله را اخبار و همراهم نموده بودم که در روزنامه
ادب شهرها فرستادم حتی آنکه در سه صفحه کار یکا در این باب
ساختم ولی آن اوقات کسی نبود که بخواند یا عرضش برود تا آنکه
بلدیة این مقصود عالی موقوف شد و برای رفع شبهه هم شهریان
خودمان اطلاع میدهند نصب نمره بسرد خانه از این اسباب طلب
صحت از اهل خانه نخواهد کرد... آسوده باشد

دیگر از اقدامات مفیده انجمن محترم بلدیة روشن کردن خیابانهاست
با چراغ برق و حقینته شبها با تابنا مثل روز روشن کرده اند
ولی در اینجا در مشرفه مطلب مهم داریم که ناچار باید خاطر نشان
اعضای محترم بلدیة بنام اول آنکه در تمام دنیا رسم و عادت است
که از هر خطی که مستون چراغ برق عبور میکند اداره چراغ برق
بر مسئولی بیک چراغ بزرگ چل شمی نصب میناید و نکته آنست
اینست که خیابان متعلق بعت است و کپانی چراغ حق ندارد
موقوف توجیه بجا ناقصت کند در هر نقطه از خیابان که چراغ نصب
شود حق اراض آن نقطه این است که بیک چراغ بزرگ



مدیر

میرزا اقا مدیر ناله ملت

عنوان مراسلات

تبریز اداره استقلال

چهارشنبه ۱۵ ذیحجه ۱۳۲۷

عجالتاً هفته یکبار چاپ میشود

شرائط اشتراك

تبریز ۱۶ قران

ولایات داخله ۲۰ قران

ممالک خارجه ۱۵ فرانك

اجرت پست همه جا بمهده اداره

اعلانات سطرى بگقران است

استقلال

۱۳۲۷

در این جریده از وقایع داخله ایران و مذاکرات انجمن ایالتی، درج و سایر مقالات مختصره عام المنفعه نیز باامضا معروف پذیرفته خواهد شد تک نمره تبریز (۲) ولایات داخله (۳) و خارجه (۵) شامی فروش میشود

عطف بشماره قبل

بارها در نثرات اسبق استقلال مسئله اتحاد پروگرام و اختیار مملکت واحدی را مورد بحث قرار داده . و چندین نمره را با تمهید محسنات و فوائد خاصه آن بحال امروزى مملکت مشغول داشتیم . اینک که مدتی از آن ایام می گذرد بدون آنکه فتوری در عقیده ما راه یابد و سستی پیدا شود . تجدید مطلع نموده و با همان اعتقاد راسخ و سببه تسالی و ترقی و علاج امراض مختلفه کنونی ایران را فقط منحصر بوقوع اتحاد مادی و معنوی در بین افراد ایرانیه و مشی از روی پروگرام واحد که در ماسبق اجمالاً به تفصیل آن پرداخته ایم میدانیم .

فی الحقیقه ما میخواستیم سری توی سرها داخل کرده . و خودمان را داعی نجات استقلال ایران و دلیل این مقصد مهم قرارداد . این ندای سعادت احتواری بواسطه صدای نارسای خود بکوش هم و وطنان برسانیم .

بلکه از ما که قلم شکفته مان چندین مرتبه روی صفحه کاغذ بند می شود نادره که خیر یا شر ترکیب مینماید : فقط نذکار و یادآوری تلف شده بود که فضلاء و حکماء در اعصار سابقه محض تحصیل و تدارک آن زحمتها برده ، رنجها کشیده ، و قبل از آنکه موفق مقصود گردند گذاشته و گذشته ، راه تدارک آن را با اخلاق آئیه ایران نشان داده انجام آنرا بمهده کفایت و حسب وطنی آنان حواله نموده اند .

بلی مقصود ما از تشریحات سابقه یاد آوری بود چنانچه در نظر دانشمندان نیک و صواب نماید . و جداوندان قلم را نیز تأییدی در این باب رود تمقیب مایراد نموده و با همان نفاذ گله . و قدرت قلم . که مر این دو طاقه را محض است . افراد ایرانی را که تابع صرفند به منافع سربسته آن حالی و برخوردار نمایند و ما هم باز بر می گردیم بسر حکایه کوئی و فسانه نویسی خودمان

در زمانی گذشت . از هزارها اصحاب فهم و دانش و ارباب انواع عقل و دهاء یکی پیدا نشد که گفته و نوشته های ما را بنظر تمیز به بیند ، اگر چنانچه مطالب پیش نهادی ما قابل اهمیتی بود . این يك لفظ مجازی را می شد لباس حقیقت پوشانید . این يك کلمه غیر معتاد (که امروزه جز حرف واهی بنظر نمیاید) گمان می رفت . سبب سعادت و روشنی مستقبل ملتی بشود ، ضامن حیات استقلال مملکتی گردد ، بقاء ملت قومی را در کف حمایت خود کرد ، قدم فلیت پیش گذارند نقشه مقدمانی از ا طرح نمایند

بالعکس آنانکه شریک عقیده و بلکه محرك اصلی ما بودند . و ما را نیز با اقدامات حقیقت آمیز و فعالیت فی رب و ربی آنان امید بود وافر هر یک بکوشه خیزیدند . و چنان آن اراده مستحسن را در درون دل نهفتند . که بنداری خیالی بود و خوایی

بلکه از فرط مسامحه و عدم مراقبت رؤسا و بزرگان لا اقل به نگهداشتن اتحاد صوری . عادات خفته اختلاف ، خود غرضی ، نفاق ، شخصیت

(عنوان)

(مراسلات)

قیمت اشتراك سالانه

(نمجه حسينيه اداره روزنامه)

تبريز

(۱۵ فران)

(مجاهد)

(هر هفته سه بار)

ساير بلاد ايران

(۲۰ فران)

طبع و توزيع ميشود)

ممالك خارجه

(۲۵ فران)

۱۲ ذيقعدت الحرام ۱۳۲۵

﴿ قيمت يك نسخه ﴾



مَجْمَعَة

۱۸ دسامبر (۱۹۰۷) ميلادی

تبريز دوشاهي (ساير بلاد ايران سه ماهي

(وجه آيوته از هر كس و از هر جا مقدماتاً گرفته ميشود)

مقالات سودمند بحال دولت و ملت باصفاً پذيرفته ميشود و اداره در طبعش آزاد است و در صورت عدم طبع مکتوبات اعاده داده نشده و پاکتها بدون تمبر قبول نخواهد شد

مکتوبست که از طرف عدالتخواهان عثمانی باینجمن مقدس ملی تبریز قلمی نمودند.

﴿ تبریز اینجمن ملی سی جانب عالیست ﴾

محترم دینداران

۱۵ رمضان المبارک ۱۳۲۵ تاریخ خلیج جویش نامه کر واصل اوله رق هیش مرکز به اعضای حضور نده قرائت ایدلدی ؟ حیات و افکار بیزدگی مشارک صمیمه هبزی نمون و محظوظ ایلدی . ملت مجلسنیک کشادینه ، (قانون اساسی) نیک تطبیق و مرعیت احکامنه موافقت کردن طولانی سزی تکمیل قلبزه تبریک ایدر و شوکت و سعادت کیری یعنی ایلرز . بزله هم حدود اولان و دینداسمز بولتان ردولت اسلامیه نیک احکام مقدسه دینه مزه نیماً اصول اداره مشورت و مشروطیتی بلکه کنده وضع و تأسیس ایلمسی ، یالکر بزی دهل ، بونون عالم اسلامی ده نمون و شادان ایلدیکنه شه بوقدر . سرحد مسئله سی مناسبتیه حاصل اولان هیجان و اندیشه بی تدایر عافلان ایله تنکیته همت ایلدیگر طولانی شایان تبریکسگر .

معلومدر که کر زمین اوزرنده پاشایان هر مؤمنده بری برنیک قرنداشیدر . حق تعالی و تقدس حضرتلری قرآن عظیم الشاننده (المؤمنون اخوة) بیور بیورلر ؛ فقط

عثمانی تاج و تختنده او طوران سلطان حاضر عبدالحمید بجه او امر الهی بی اصفاً بجدگی کی بو حکمت جلیله بی داخی ادراک ایدمه بجه حک قدر عاجز ، مجنون برآمددر . ایشته هر ایکی طرف بونی بیلهرک بری بریله قرنداشجه پاشاسی ، بری برینه دست اخوت و اتحادی اوزانه رق رلیکنده جالشمسی مقضیات دینه مزیددر . عبدالحمیدک حرکات و اجراءات مجنونانه سنده نیک رأیی ، آرزوسی بوقدر . ملت ایله عبدالحمید آبری آبری شیلدر . امین اولکرکه ترجمان حیات و افکاری اولدینمز ملک عثمانیه اینجده بو سرحد مسئله سندن طولانی سزک قدر ما بوس و متأسف اولشلردر . عبدالحمیدی بوضوونه ابقاع جابته سوق ایدن اسباب و مأثراندن برنجیسی تعریف استدی بکگر وجه ایلله داخل ابرانده باشلایان افعال انقلابیه نیک مالک عثمانیه و هم سرائی ، ایکنجیسی ده شو سوک زما لمرده اناطولیده سر زده ظهور اولان وقایع قیامیه نیک سلطنت قاتلان سنه هایت و برمه مستعد اولان دهشتیدر . ملق بویله بروقه ایلله اولابله رق فکر حریت و عدالتک انتشار سرینه مانع اولوق ایسته بور . بزمن وظیفه مز هر ایکی ملت اسلامیه افرادینه حقیقت مسئله نیک تفهیمه حادثات غیبه نیک ظهورینه میدان و برمه مکدر . ایشته جمیتمز بومقصدله عثمانی ضابطاننه خطاباً بر بیاننامه نشر انجمن و وساطت

• (قیمت اشتراك سابقه) •
 (طهران ۱۲ قران)
 (ساير بلاد ايران ۱۷ قران)
 (مالك خارجه ۱۰ فرانك)
 مك نمره (طهران) بك عباسى
 ساير بلاد ايران پنج شاهی
 (محل توزيع كتابخانه شرافت)
 مرقم كتب از هر جا بنواهند ارسال ميشود
 • (اخوت) •



• (عدالت) •

• (عنوان مراسلات) •
 • طهران •
 • مدرسه آصفيه ادارت مساوات •
 (سيد محمد رضای شیرازی)
 (سيد عبد الرحيم خلغانی)
 • مجله هفت يک مرتبه بطبع ميشود •
 قیمت اشتراك پس از رسيدن چهار نمره
 از عموم مشتركين دريافت ميشود
 • (حریت) •

— ۵۵ — يكشنبه ۱۹ شهر صفر ۱۳۲۶ هجری قمری (و ۲ فروردین ماه جلالی ۱۳۳۰) و (۲۲ مارس ۱۹۰۸ میلادی) ۵۵ —

اوردند و ملت را در این بگردار بستهبندی کوناگون
 و منابع تصور نکردی گرفتار میکنند
 سپهین سلسله که نهایت ازان دوستخت تر و بزرگ
 ترین سد ازادی است هانا طبقه طرفداران استبداد
 روستایی و جسمانی است که در میان ملت تواید و در
 مقابل ازادی طلبان قسام میباشند از این سلسله اخیره
 نجات و رستگاری بی دشوار و در غایت اشکال است
 برای ترمیم مقصود لازم است بدانیم که ملت
 کیست ؟ و راه ازادی کیست ؟
 در اینجا فقط بیک مثل قناعت نموده میگویم
 يك قطعه زمین را که محدود است بدیاری خزر و
 رود ارس و رود هریرشد و خلیج فارس در نقتسه
 جغرافیایی موسوم بایران شده است و قریباً درازده
 مایون فوس در این قطعه از زمین سکنی دارند — ایا
 تمام این سکنه ایرانی و ملت ایرانیست ؟ خیر خیر —
 هرگز چنین نخواهد بود
 فرزند ایران و ملت اصلی کسانی میباشد که کارگر
 و خدمتگذار این اب و خاکند و مدار زندگانی و
 حفظ جماعت و استقلال مایلت بسته بوجود آنان باشد
 نه هر که در ایران است ایرانی توان بود و جزو ملتی
 باید خواند
 امروز کسانی که محور زندگانی ایرانیانند فقط
 منحصراً بچند طایفه اند
 (۱) زارعیان جو کار که امروز در ایران اسیر
 ترین طبقات در شمارند و هیچ حق از حقوق آنها
 مشروفاً ادا نمیشود
 این طایفه منلوک ایران با آنکه حامل روزی عالی

سوز درونی را موقع اظهار رسیدند
 هر ملتی که قربان در خواب میدانی جهل و غفلت
 مانده و روزگار سادت خود را در پیموشی و مستی
 بوسانیده يك وقت سراز بستر نادانی بر میدارد و چشم
 میبکشد می بیند در تنگنای خدی خفته بود که
 بگی از جمیع حقوق بشری محروم و از شش جهت
 لذت زندگانی را راهزنان از وی ربودند در این وقت
 حس بشری آن ملت دفناً يك حرارت سرشار و يك
 غیرت و حرکت حیرت انگیزی در خود تولید میکند
 و سراپا مهبای استرداد حقوق منسوبه خویش میگردد
 این قسم ملت قهرآ مبتلا به سه دشمن بزرگ سه
 طایفه ظالم خواهد شد
 آن سه طایفه ظالم کدامند ؟ نخست طایفه کدر
 مقابل ازادی ملت خونریزیهای نافر انگیز را طالبند
 هانا طبقه مستبدین دوائر حکومتی است که سالها چون
 طلوی خون اشام از خون فقراء و ضنفا تغذیه نموده
 و برای سلب ازادی ملت در مقام مجادله حاضر می شوند
 بشهادت تواریخ همیشه در معرکه این منازعه فتح
 و فبروزی با ملت بوده و از برای شکن این لشکر
 از استبداد جذمان زحمت نکشیده اند
 سپس استبداد طبقه روحانیین که مدتها بدسائس و
 جعل لوهم عوام الناس را به غلامی خود مسخر و
 اسیر داشته کتب و دقائر الهامی را منابع بازار دزدی
 و مردم فریبی خویش قرار داده (بمرفون الکلام عن
 مواضعه لیستروا به تناً قلبلا) ابلهس وار لشکر
 مخالفت و عدالت تجهیز و بر ازادگان خدا تاخت می



اعلان

اداره چراغ برق دارالسلطنة تبریز
ترتیب اشتراك منوط باجرای شرایط ذیل است

- (۱) از مشترکین قبضت سیم کشی و چراغ بمدت یکسال بدواً ترمه قسط در یافت خواهد شد تسهیلات همه اوقات بمهده مشترکین است
- (۲) قبضت چراغهای مقاطعه هم اوقات در وسط هر ماه در یافت میشود از مشترکینی که ساعت قوه شمار دارند در آخر ماه از قرار کیلووات از روی ثبت ساعت مخصوص محسوب و در یافت خواهد شد
- (۳) هر کسی در ادای وجه دوستانی قبض اداره را تا اتمام ماه منقطع نمساید چراغش روشن نخواهد شد
- (۴) دستکاری سیمها و اسباب چراغ درختها بکلی ممنوع است زیرا خسارت و ضرر آن راجع بخود صاحب خانه است
- (۵) قوه برق بهر خانه داده میشود مشروط بر اینکه سیم مرکزی از جلو وارد یکی از خانه عبور نمساید الی دوم آن میتوان گفت که در تمام محلات سیم چراغ خواهد آمد
- (۶) مخارج سیم کشی داخل خانه و حیاط بمهده مشتری است قبل از وقت عدد چراغهای مطلوبه را تعیین و تصریح نمایند سیم مفروز با اندازه عدد چراغها انتخاب میشود و الا سیمیکه بکار ده چراغ میخورد قوه ثبت چراغ را ندارد

- (۷) اگر در خانه سیمها منظم نباشند قوه چراغهای همان خانه از اداره قطع خواهد شد تا اینکه سیمها منظم و تعمیر بشوند
- (۸) قبضت چراغ بر دو قسم در یافت میشود

(اول) آنکه ساعت مخصوص در خانه نصب میشود که دو رشته سیم از کوچه بآن ساعت داخل میشوند از طرف دیگر خارج شده بچراغهای داخل خانه منتهی و مربوط میگردد و هر چند ساعت که چراغها میسوزند در آن ساعت مخصوص ثبت و معین می گردد در آخر ماه از روی همان ساعت قبضت چراغها در یافت می شود

(دوم) مقاطعه است چنانچه در خانه مشتری ساعت مخصوص گذاشته نمیشود بجهت هر چراغ و هر نمره وجه معینی در یافت خواهد شد و در این صورت هرگاه مساحب خانه تمام چراغها را روشن نمساید و یا بخاید وجه آتونه تمام و کمال و بلا حرق و وسط هر ماه در یافت میشود

(۹) قبضت چراغهای مقاطعه که در وسط ماه در یافت خواهد شد بدین قرار است

چراغ ۱۶ شمسی	قران بود حالتی	از دکانین و منازعه ها
چراغ ۱۰ شمسی	قدیم که چهارده قران بود	نصف قبضت در یافت خواهد شد
حالتی ۹ قران است		۱۶ شمسی ۶ قران
چراغ ۵ شمسی	قدیم که ده قران بود	۱۰ شمسی ۳ قران و ده شمسی
حالتی شش قران است		۵ شمسی سه قران

قبضت سیم کشی و چراغ و آتیه و دکانین و منازعه ها برقرار مزبور در عرض یکسال بدوازده قسط در یافت میشود در صورت دادن اطمینان کامل بداره و الا قبضت آتیه در ماه اول در یافت خواهد شد این قرارداد راجع بخانهها و دکانین و منازعهها است سایر ادارات و مجالس و خانههای کرایه موضوع از این قرار داد است

چراغهای ساعتی

شازده شمسی هر قدر بسوزد از قرار ساعتی بکشی و تم محسوب میشود ده شمسی ساعتی بکشی

پنج شمسی ساعتی سی هفت دینار و نیم

(۱۰) حساب در این ساعات قوه شمار چنان است که اسکر یک چراغ نمره ۱۶ شمسی مدت بیست ساعت بسوزد یک کیلووات میشود از قرار نمره فوق کیلوواتی سی شاهی محسوب خواهد شد صاحب خانه با داشتن قوه شمار اگر نخواهد مساحب چراغش خواهد سوخت

(۱۱) ساعت قوه شمار را صاحب خانه یا ادارات در جزو اسباب چراغ منخرند یا سکرانه منباید

صاحب املاک و مالک چراغخانه برق عمومی تبریز

گنجینه سار

فصلنامه تحقیقات تاریخی

سال دهم - دفتر سوم و چهارم
پاییز و زمستان ۱۳۷۹ - شماره پیاپی ۳۹ و ۴۰
۱۴۰ صفحه - بها: ۵۰۰ تومان

۳۹ و ۴۰

□ یادداشت مدیر مسئول / مهندس سیدحسن شهرستانی □ علل پیشرفت تجاری
ارامنه جلفای نو در عصر صفوی / دکتر شکوه‌السادات اعرابی هاشمی □ نگاهی بر
پیامد جنگ‌های ایران و روس / فاطمه قاضیا □ وظایف وزرای ششگانه و مجلس
دربار در عهد ناصری / علی کریمیان □ میرزا زین‌العابدین مؤتمن‌الاطبیا، حکیم
دربار ناصری / محسن روستایی □ انتخابات مجلس مؤسسان / محمود دلفانی
□ سیر خط در فرامین و احکام تاریخی / علیرضا کرچکی □ نسخ و اسناد چاپ
سنگی، حد ناصل خطی و چاپی / دکتر علی‌اکبر خانمحمدی □ درنگی بر
«زباله‌دانی»ها - سندهای بازیافته، در نوشته‌های دور ریخته / دکتر محمود
روح‌الامینی □ آشنایی با آرشیو جمهوری آذربایجان / دکتر آناخان پاشایف
□ بررسی و ارزشیابی اسناد (بخش اول) □ گنجینه عکس‌های تاریخی / دکتر
کیانوش کیانی هفت‌لنگ □ معرفی کتاب □ اهداگر اسناد □ چکیده مقالات به زبان
انگلیسی / اعظم‌السادات حسینی